

Developing a Model of Marital Distress based on Communication Patterns and Attachment Styles with the Mediating Role of Resilience in Homemaker Women

Zahra Sadat Pour Seyyed Aghaei

PhD of Counseling, Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran.
zspsaghaei@alzahra.ac.ir

ABSTRACT

Received: 10/04/2024 - Accepted: 07/10/2024

Aim: The present study was conducted with the aim of formulating a model of marital distress based on communication patterns and attachment styles with the mediating role of resilience in homemaker women. **Methods:** The present research had an applied objective and utilized a descriptive correlational method with a path analysis design for data collection. The statistical population of this study consisted of all homemaker women in the Narges Akbatan Community Group in Tehran during the first three months of the year 1401 (Solar Hijri calendar), from which 384 individuals were selected as the sample group, using convenience sampling. The research instruments included the Marital Distress Questionnaire, Communication Patterns Questionnaire, Attachment Styles Questionnaire, and Resilience Scale. Finally, the data were analyzed using the linear regression method within the path analysis framework, utilizing SPSS24 and AMOS23 software for statistical analysis. **Findings:** The results showed that communication patterns, secure and anxious attachment styles have a direct relationship with marital distress in homemaker women ($p < 0.01$). Moreover, resilience was able to mediate the relationship between communication patterns and marital distress, as well as the relationship between secure and avoidant attachment styles and marital distress in homemaker women ($p < 0.01$). **Conclusion:** The findings of this research indicate that in order to reduce marital distress in homemaker women, identifying couples' communication styles and attempting to change unhealthy communication patterns, through resilience-based training, counseling, and other interventions, can be effective.

Keywords: Marital distress, communication patterns, resilience, homemaker women, housewife, attachment styles



فصلنامه علمی پژوهشهای مشاوره
انجمن مشاوره ایران
جلد ۲۳، شماره ۹۲، زمستان ۱۴۰۳
مقاله پژوهشی

e-issn: 4018-2717

p-issn: 400-2717X

DOI: 10.18502/qjcr.v23i92.17847

تدوین مدل آشفته‌گی زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی و سبک‌های دلبستگی با نقش میانجی تاب‌آوری در زنان خانه‌دار

زهراسادات پورسید آقایی

دکتری مشاوره، استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.
Email: zspshaghaei@alzahra.ac.ir

(صفحات ۴۹-۷۵)

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل آشفته‌گی زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی و سبک‌های دلبستگی با نقش میانجی تاب‌آوری در زنان خانه‌دار انجام شد.
روش: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از لحاظ شیوه‌ی گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع همبستگی و با طرح تحلیل مسیر بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان خانه‌دار گروه مردم نهاد بوستان نرگس اکباتان شهر تهران در سه ماهه‌ی اول سال ۱۴۰۱ بود که از این بین ۳۸۴ نفر به صورت در دسترس به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه‌ی آشفته‌گی زناشویی، پرسشنامه‌ی الگوهای ارتباطی، پرسشنامه‌ی سبک‌های دلبستگی و مقیاس تاب‌آوری بود. در نهایت داده‌ها با روش آماری رگرسیون خطی در متن تحلیل مسیر با استفاده از نرم افزارهای SPSS²⁴ و AMOS²³ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که الگوهای ارتباطی، سبک دلبستگی ایمن و اضطرابی با آشفته‌گی زناشویی زنان خانه‌دار ارتباط مستقیم دارد ($P < 0/01$). همچنین تاب‌آوری توانست در رابطه بین الگوهای ارتباطی و آشفته‌گی زناشویی و رابطه سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی با آشفته‌گی زناشویی زنان خانه‌دار نقش میانجی‌گری ایفا کند ($P < 0/01$).

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این پژوهش، بیانگر این امر است که برای کاهش آشفته‌گی زناشویی در زنان خانه‌دار، می‌توان ضمن شناسایی سبک ارتباطی زوجها و سعی در تغییر سبک‌های ارتباطی ناسالم، از طریق آموزش و مشاوره و سایر مداخله‌های مبتنی بر تاب‌آوری عمل کرد.

واژه‌های کلیدی: آشفته‌گی زناشویی، الگوهای ارتباطی، تاب‌آوری، زنان خانه‌دار، سبک‌های دلبستگی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۹

مقدمه

یک جامعه زمانی می‌تواند ادعای سلامت کند که از خانواده‌هایی سالم برخوردار باشد و خانواده و جامعه سالم نیز از پیوندهای آگاهانه و ارتباطات سالم و بالنده زوج‌ها شکل می‌گیرد (تورنتون^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). باتوجه به این مسئله، بررسی عوامل تسهیل‌کننده و محدودکننده در روابط زوج‌ها و عواملی که در تداوم این ارتباط مؤثر باشد، همواره مورد توجه می‌باشد که یکی از الگوهای روابط بیمارگونه و آسیب‌زننده در بین زوج‌ها، آشفتگی زناشویی^۲ است (مارکمن و هالوگ^۳، ۲۰۲۱). به طوری که آشفتگی زناشویی در اثر اشباع دلخوری‌ها و رنجش‌های زوج‌ها از یکدیگر، عدم درک متقابل آن‌ها و ایجاد فاصله روانی - عاطفی بین آنان شکل می‌گیرد. بنابراین اختلافات زناشویی مداوم و نارضایتی از روابط منجر به شکل‌گیری آشفتگی در روابط زناشویی شده و در صورت رفع نشدن حتی منجر به طلاق می‌گردد (علی‌محمدی و محمدی‌فروید، ۱۴۰۲). زیرا فرآیند آشفتگی در اکثر مواقع مسیر معینی را طی می‌کند که این مسیر شامل، تکرار و جدی شدن اختلافات جزئی، جدایی یا بی‌میلی یکی از زوج‌ها به طرف مقابل، قهرهای طولانی، خستگی زوج‌ها از قهرها و درگیری‌ها و در نهایت آشفتگی زناشویی می‌شود (سلیمانی، جاویدی، کورش‌نیا و برزگر، ۱۴۰۳).

بر این اساس می‌توان گفت در یک رابطه زناشویی که تعارض در آن شکل گرفته است، زوج‌ها می‌توانند با ایجاد تغییرات مثبت تعارض را حل کنند و به رابطه ادامه دهند اما اگر تعارضات حل نشوند، نارضایتی زناشویی نمود پیدا کرده و رابطه به سمت شروع اختلافات زناشویی کشیده می‌شود که اگر اختلاف بین زوج‌ها شدید باشد و مدت طولانی در این وضعیت بمانند، احساس فرسودگی و نارضایتی شدید در رابطه، زمینه‌ساز شکل‌گیری آشفتگی زناشویی خواهد بود (میکائیلی و عبادی، ۱۴۰۱). همچنین طبق

1. Thornton & et.al

2. marital turmoil

3. Markman & Hahlweg

ویراست پنجم راهنمای آماری و تشخیصی اختلالات روانی^۱، آشفتگی زناشویی تحت عنوان اختلال کارکرد در حوزه‌های رفتاری (مانند دشواری در حل تعارض)، شناختی (مانند انتساب مزمن استانداردهای منفی به همسر) و هیجانی (مانند بی تفاوتی و یا خشم نسبت به شریک) تعریف شده است (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۱۴۰۱). لذا آشفتگی زناشویی در جنبه‌های متعددی از روابط زناشویی، همچون ارتباط عاطفی، حل مسئله، پرخاشگری، زمان باهم بودن، مسائل مالی، مسائل جنسی، جهت‌گیری نقش، رضایت از فرزند و تربیت فرزند اختلال ایجاد می‌کند و در برخی شرایط می‌تواند سبب آغاز شدن، تشدید کردن و یا پیچیده‌تر شدن اختلالاتی همچون افسردگی یا تسهیل بازگشت و عود اختلالات روان شناختی شود (اسمعیلی، ماردپور و قادرزاده باقری، ۱۴۰۲).

عوامل زیادی در بروز آشفتگی زناشویی نقش دارند و آشفتگی نیز مانند سایر مسائل روان شناختی، معمولاً ماهیتی چند علیتی دارد. یکی از این عوامل الگوهای ارتباطی^۲ است. به طوری که زوج‌های آشفته، دارای الگوهای ارتباطی ناکارآمدی در ابراز هیجانات و افکار، مهارت‌های گوش دادن، حل تعارض، بیان هیجانات و سایر نمادها و رفتارهای غیرکالمی دیگر هستند (آذرنیک، رفیعی‌پور، حاتمی و موسوی، ۱۴۰۱). مهارت‌های ارتباطی مؤثر از قوی‌ترین ابزارهایی است که زوج‌ها برای سالم زندگی کردن در اختیار دارند و رابطه مؤثر رابطه‌ای نیست که صرفاً سود شخصی را در بر داشته باشد بلکه رابطه‌ای است که در عین سودمندی دوطرف رابطه، هدفمند نیز باشد و بهبود شرایط روحی و روانی هر دوطرف را به دنبال داشته باشد (آبرو-آفونسو^۳ و همکاران، ۲۰۲۲). در واقع بهره‌مندی از فواید موجود در رابطه بین زوج‌ها، منوط به وجود شرایط مساعد و مناسب و البته داشتن مهارت صحیح ارتباطی می‌باشد و در عین حال که داشتن یک رابطه مناسب با همسر می‌تواند آثار و فواید جسمی، روانی و اجتماعی به همراه داشته

1. Statistical and diagnostic manual of mental disorders-5

2. Communication patterns

3. Abreu-Afonso

باشد، وجود روابط معیوب و نابهنجار نیز می‌تواند موجب به وجود آمدن اثرات منفی و زیانبار در انسان و کل جامعه گردد (تاسیو^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). از طرف دیگر مهارت‌های ارتباطی پایین در زوجها، ثبات و کیفیت ازدواج را به چالش می‌کشند و سبب بروز احساسات منفی در افراد می‌شوند. زمانی که این احساسات منفی، در زندگی زوجها به صورت غالب در می‌آیند، باعث از دست دادن شور و اشتیاق اولیه، از بین رفتن وابستگی عاطفی و تعهد و در آخر به بروز آشفتگی زناشویی منجر می‌شوند (حسین زاده بندقیری، سودانی و غلامزاده جفوه، ۱۴۰۱). در کل انباشته شدن سرخوردگی‌ها و تنش‌های زندگی روزمره سبب فرسایش روانی شده و سرانجام منجر به آشفتگی می‌شوند (سینگ^۲ و همکاران، ۲۰۲۳).

به علاوه شناخت و آگاهی و یادگیری مهارت‌های ارتباطی می‌تواند در ارتقای سطح تاب‌آوری^۳ زوجها بسیار مؤثر باشد. به طوری که مهارت‌های ارتباطی به افراد کمک می‌کنند تا با یکدیگر به طور مؤثر ارتباط برقرار کنند، تعارضات را مدیریت کنند و احساسات خود را به درستی بیان نمایند (صدری دمیرچی، مجرد و متین، ۱۴۰۱). لذا این ارتباطات باعث رشد شخصیت، افزایش عزت نفس، مسئولیت‌پذیری، قدرت تصمیم‌گیری و تاب‌آوری در زوجها می‌گردد (رضایی، فلاح‌زاده و پناغی، ۱۴۰۲). تاب‌آوری یکی از عوامل تعیین‌کننده پاسخ‌های زوجها در مقابل رویدادهای استرس‌زای زندگی به شمار می‌رود و زوج‌هایی که تاب‌آوری بالایی دارند، رفتارهای خودشکنانه ندارند، از نظر عاطفی آرام هستند و توانایی تغییر شرایط استرس‌آور را دارند (شاه و دشیپانده^۴، ۲۰۲۴). زوج‌های تاب‌آور به جای ناامیدی یا دور کردن خود از مشکلات، با مشکلات زندگی روبرو می‌شوند و از مهارت‌های خود برای مقابله با مشکلات به گونه‌ای استفاده می‌کنند که باعث تقویت و رشد آن‌ها می‌شود و در نهایت به بازگشت افراد به

1. Tasew & et.al

2. Singh & et.al

3. Resilience

4. Shah & Deshpande

تعادل اولیه یا رسیدن به سطح بالاتر از رضایت زناشویی کمک می‌کند (ثناگویی، ۱۴۰۲). همچنین مشکلات و اختلالاتی که بر بیان عواطف، تبادلات عاطفی و همدلی زوج‌ها، اثر منفی بگذارد، می‌توانند مانع از برقراری روابط سالم همراه با صمیمت و رضایت و باعث آشفتگی زناشویی شوند و یکی از این مشکلات سبک‌های دلبستگی^۱ ناسالم هستند (جعفری، رحیمیان بوگر، جراره و تقوایی نیا، ۱۴۰۲). در واقع تجارب خانوادگی تأثیر عمده‌ای بر تکامل فرد در طول زندگی و بعد از آن دارد و ارتباطات خانوادگی سایر جنبه‌های زندگی مانند روابط زناشویی را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهند (خاکساری، ۱۴۰۰). دلبستگی، مدل و الگوهای تفکر، عواطف و احساسات و رفتارهای فردی در رابطه نزدیک با مراقب اصلی و نیز دیگر افراد صمیمی است و در روند رشد، افراد سبک دلبستگی خود را که در تعاملات نخستین با والدین شکل گرفته به شریک زندگی خود نیز منتقل می‌کنند (ردی و نایلا، ۲۰۲۴).

دلبستگی ایمن با میزان بالاتر صمیمیت و نزدیکی و رضایت از رابطه و پایین‌تر بودن میزان خیانت، سوء استفاده و طرد در ارتباط است. افرادی که سبک دلبستگی اجتنابی دارند تلاش می‌کنند استقلال رفتاری و فاصله عاطفی را از همسر خود حفظ کنند و نیازهای دلبستگی خود را انکار کرده و افکار و عواطف مرتبط با دلبستگی را سرکوب کنند. در ضمن، در افرادی با سبک دلبستگی اضطرابی، میزان نگرانی فرد از این که همسرش در مواقع ضروری و نیاز در دسترس نباشد، مطرح است و لذا نیاز سیری‌ناپذیر به توجه، حمایت و عشق همسر، به عنوان ابزاری برای کنترل پریشانی و مقابله با تهدید است (مالدار و نایاک^۳، ۲۰۲۴). بنابراین مواجه شدن با رفتاری غیرمسئولانه، عادت‌های آزاردهنده، بی‌توجهی به احساسات و علاقه‌ها، القای حس کافی نبودن، کمرنگ شدن عشق و علاقه و سردمزاجی حاصل از سبک‌های دلبستگی ناایمن، جزء آفت‌هایی

1. attachment styles
2. Reddy & Naila
3. Maldar & Nayak

هستند که همواره آشفتگی زناشویی بالایی ایجاد کرده و یک زندگی مشترک را تهدید می‌کنند (محمودیان، معماری نسب، فرخی و صباحی، ۱۴۰۱).

بدین ترتیب سبک‌های دلبستگی که از منابع درون فردی هستند، می‌توانند سطوح تنش و ناتوانی را در شرایط ناگوار تعدیل کنند و اثرهای منفی تنش را کم رنگ‌تر جلوه دهند (باروآ و سوتا^۱، ۲۰۲۴). بر این اساس، دلبستگی ایمن، یک عامل مهم در کمینه کردن شرایط بحرانی و بیشینه کردن میزان تاب‌آوری در افراد نیازمند به کمک است زیرا افراد ایمن، رویدادهای استرس‌زا را کمتر تهدیدکننده ارزیابی می‌کنند (زبردست، رضایی و رضواندل رمزی، ۱۴۰۰). لذا سبک دلبستگی به عنوان یکی از عوامل حفاظتی که موجبات سازگاری بیشتر را فراهم می‌سازد، در میزان تاب‌آوری افراد موثر است و میزان تاب‌آوری بر آشفتگی زناشویی تاثیرگذار خواهد بود. در واقع برای از بین بردن تنش‌های حاصل از تعارض‌های زناشویی، تاب‌آوری عنصری مهم و تاثیرگذار تلقی می‌شود. به طوری که زوج‌ها با تاب‌آوری بالا، توان اجتماعی بیشتری در مواجهه با مشکلات دارند و بهتر می‌توانند بر مشکلات شان غلبه کنند، در نتیجه اجازه نمی‌دهند تعارض و اختلافات آن‌ها به سطوح بالا برسد (کارنر، ویس و هینریچ^۲، ۲۰۲۱).

در کل شیوع بالای آشفتگی زناشویی هم در مطالعات شیوع‌شناسی اجتماعی و هم در پژوهش‌های بالینی نشان داده شده است. به طوری که روند جهانی و روزافزون فروپاشی و بروز آشفتگی در رابطه زوج‌ها باعث افزایش توجه‌ها به این روابط شده است و جامعه ایران نیز از این معضل جهانی جدا نبوده و فروپاشی رابطه زوج‌ها در سه دهه اخیر رشد چشمگیری نشان داده است (سلیمانی، برزگر، جاویدی و کوروش‌نیا، ۱۴۰۲). به علاوه بسیاری از تنش‌های امروز خانواده‌ها به دلیل فقدان مهارت‌های ارتباطی در زوج‌ها است که هم سلامت روانی آن‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد و هم ناسازگاری در روابط زناشویی را به همراه دارد (آتش‌پنجه و شیرازی، ۱۴۰۱). در ضمن، دلبستگی بزرگسالان در

1. Baruah & Sutar

2. Karner, Weis & Heinrichs

پرورش و حفظ ارتباطات بین فردی آن‌ها نقش بسیار مهمی دارد و با عملکردهای روانی متعلق به روابط عاشقانه و صمیمانه، و نیز رفتارهای قابل مشاهده و پرونده‌های روابط صمیمانه که از یک جهت، ذهنی (مثل رضایت) و از طرف دیگر عینی (مثل جدایی و طلاق) هستند، قابلیت پیش بینی دارد (آذرنیک و همکاران، ۱۴۰۱). تاب‌آوری نیز مانند کلیدی است که می‌تواند سازگاری موفق در زندگی را فراهم کند تا افراد کنش‌های مثبتی داشته باشند، توانایی استفاده از مهارت‌های هیجانی را به طور فعال داشته باشند و و از زندگی در کنار یکدیگر بیشتر لذت ببرند (کارنر و همکاران، ۲۰۲۱).

در مطالعات مختلف به رابطه بین این متغیرها اشاره شده است که از جمله می‌توان به مطالعه سلیمانی و همکاران (۱۴۰۳) مبنی بر رابطه بین الگوهای ارتباطی زوج‌ها با آشفتگی زناشویی؛ پژوهش فاضلی مهرآبادی، نجاری فروشانی و مهرگان (۱۴۰۲) مبنی بر رابطه بین الگوهای ارتباطی با تعارضات زوج‌ها و تمایل به جدایی و طلاق؛ مطالعات سلیمانی و همکاران (۱۴۰۲) و صفاری نیا و مقدسی (۱۴۰۲) مبنی بر تأثیر الگوهای ارتباطی ناسالم بر آشفتگی زناشویی؛ پژوهش‌های امانی، سالارآبادی و حمیدی (۱۴۰۲) و ردی و همکاران (۲۰۲۴) مبنی بر تأثیر سبک‌های دلبستگی بر روابط زناشویی و طلاق عاطفی؛ مطالعه ملک‌لو و قربان جهرمی (۱۴۰۱) مبنی بر رابطه سبک‌های دلبستگی با سازگاری زناشویی؛ پژوهش‌های شاه و دشیپانده (۲۰۲۴) و کارنر و همکاران (۲۰۲۱) مبنی بر تأثیر تاب‌آوری بر سازگاری و رضایت زناشویی، اشاره کرد. ولی در پژوهش‌های بررسی شده به نقش تاب‌آوری به عنوان متغیر میانجی در رابطه بین آشفتگی زناشویی با الگوهای ارتباطی و سبک‌های دلبستگی اشاره‌ای نشده است و نیاز به انجام مطالعات گسترده در حوزه عوامل موثر بر کاهش آشفتگی زناشویی زنان وجود دارد، زیرا زنان زمانی می‌توانند نقش خود را کامل‌تر انجام دهند که رضایت‌مندی زناشویی و سلامت روان بیشتری داشته باشند.

در باب ضرورت انجام پژوهش حاضر نیز می‌توان بیان نمود که آشفتگی زناشویی

پیامدهای نامطلوب شناختی، روان شناختی، هیجانی و رفتاری به دنبال دارد و تاثیرات گسترده آن بر روند زندگی فردی و اجتماعی زوج ها روشن است. در نتیجه شناسایی عوامل بین فردی موثر در بروز آشفتگی زناشویی یکی از اولویت های بهداشت روان است، زیرا اگر عوامل پیش بینی و موثر بر یک پدیده شناسایی شوند، راه مقابله با آن هموارتر می شود تا تا از پیشروی این مشکلات و تبدیل آن ها به مشکلات اجتماعی و اختلال های بالینی و اقدام برای جدایی و طلاق جلوگیری گردد. به گونه ای که با شناسایی عوامل بین فردی موثر بر آشفتگی زناشویی می توان برای کاهش پیامدهای منفی آن برنامه ریزی لازم را انجام داد و راهکارها و درمان های لازم را به کار گرفت تا زوج ها به سمت رضایتمندی بیشتر پیش بروند. از این رو با وجود رد پای مهارت های ناکافی در برقراری ارتباطات سالم و سبک های دلبستگی ناایمن بر نارضایتی زوج های متقاضی طلاق و اهمیتی که تاب آوری می تواند در استحکام زندگی و افزایش رضایت و موفقیت در زندگی داشته باشد، کشف و شناسایی سبک های دلبستگی و الگوهای ارتباطی در زوج هایی که آشفتگی زناشویی رنج می برند، ضروری و مهم است زیرا روابط خانوادگی و الگوهای ارتباطی در طول زمان و در فرهنگ های مختلف، می تواند متفاوت باشد. لذا پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل آشفتگی زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی و سبک های دلبستگی با نقش میانجی تاب آوری در زنان خانه دار انجام شد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی - همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه آماری در این پژوهش زنان خانه دار گروه مردم نهاد بوستان نرگس اکباتان شهر تهران در سه ماهه اول سال ۱۴۰۱ به تعداد ۱۹۷۰ نفر بود. حداقل حجم نمونه مدل تحلیل مسیر بر اساس تعداد سازه های اصلی یا متغیرهای پنهان تعیین می شود. با وجود آن که در مورد حجم نمونه لازم برای تحلیل مسیر توافق کلی وجود ندارد، اما به زعم بسیاری از پژوهشگران

حداقل حجم نمونه لازم ۲۰۰ می باشد و طبق جدول کرجسی و مورگان^۱ ۳۸۴ نفر حجم نمونه آماری پژوهش حاضر را تشکیل داد. بنابراین در پژوهش حاضر با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس تعداد ۳۸۴ نفر از زنان خانه دار گروه مردم نهاد بوستان نرگس اکباتان شهر تهران انتخاب شد و سپس پرسشنامه ها در اختیار این گروه از زنان خانه دار قرار گرفت و تکمیل و جمع آوری شد. ملاک های ورود به نمونه شامل دامنه سنی بین ۲۰ تا ۵۰ سال، رضایت از شرکت در پژوهش؛ عدم سابقه ابتلا به اختلال روانی تشخیص داده شده توسط روان شناس یا روانپزشک و یا سابقه وابستگی به مواد مخدر و الکل، عدم سابقه طلاق و ازدواج مجدد، عدم سابقه دریافت درمان روانی توسط روان درمانگر یا روان پزشک، بود. همچنین ملاک های خروج از نمونه شامل مخدوش و ناقص بودن پرسشنامه ها و انصراف از شرکت در پژوهش بود. در این پژوهش، برای جلوگیری از محافظه کاری پاسخگویان در پاسخ دهی، پرسشنامه ها بدون ذکر نام و نام خانوادگی تنظیم شد، به شرکت کنندگان اطمینان داده شد داده های حاصل از پرسشنامه های پژوهش فقط در راستای اهداف پژوهش استفاده می شود و موافقت و تمایل شخصی برای شرکت در پژوهش در نظر گرفته شد.

ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه آشفتگی زناشویی اشنایدر (۱۹۷۹)، پرسشنامه الگوهای ارتباطی ریچی و فیتزپاتریک (۱۹۹۰)، پرسشنامه سبک دلبستگی هازان و شاور (۱۹۸۷) و پرسشنامه تاب آوری کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) بودند که در زیر ارائه شده اند.

پرسشنامه آشفتگی زناشویی^۲: این پرسشنامه یک ابزار خودگزارش دهی ۱۵۰ ماده ای است که توسط اشنایدر^۳ (۱۹۷۹) برای اندازه گیری ماهیت و میزان آشفتگی زناشویی طراحی و تدوین شده است و در سال ۱۹۹۷ مورد تجدید نظر قرار گرفت. پاسخ به ماده ها به صورت صحیح- غلط تدوین شده و به صورت صفر تا یک نمره گذاری می شود و نمره

1. Krejcie & Morgan

2. Marital disturbance Questionnaire

3. Schneider

کلی آشفته‌گی زناشویی نیز از جمع نمرات ۱۵۰ ماده به دست آمده و دامنه نمرات از صفر تا ۱۵۰ در نوسان است. این پرسشنامه شامل دو خرده مقیاس روایی شامل (قراردادگرایی و ناپایداری در پاسخدهی) و ۱۰ خرده مقیاس شامل ارتباط عاطفی، ارتباط جهت حل مشکل، پرخاشگری، زمان باهم بودن، تعارض در مسائل مالی، مسائل جنسی، جهت‌گیری نقش، تاریخچه مشکلات خانوادگی، نارضایتی از فرزندان و تعارض در تربیت فرزندان، و یک نمره کلی آشفته‌گی کلی می‌باشد. در این پرسشنامه نمره بالا نشان از آشفته‌گی بیشتر و نمره پایین نشان از آشفته‌گی کمتر دارد. اشنایدر (۱۹۷۹) با روش تحلیل عامل تاییدی بر روی ماده‌های این پرسشنامه نشان داد که این پرسشنامه دارای دو عامل است و تمامی ماده‌ها دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۶ و معنی‌دار هستند که حاکی از روایی مطلوب این پرسشنامه می‌باشد. همچنین پایایی کل پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ درصد گزارش کرد و دامنه پایایی خرده مقیاس‌های این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ بین ۰/۷۰ تا ۰/۹۷ گزارش کرده است. نظری و بیرامی (۱۳۹۰) در پژوهشی با استفاده از یک نمونه ۲۰ نفری، پایایی پرسشنامه آشفته‌گی زناشویی با استفاده از آزمون مجدد را بین ۰/۵۹ تا ۰/۸۳ گزارش دادند و روایی محتوایی را تایید کرده و شاخص روایی محتوایی را ۰/۸۱ به دست آوردند (به نقل از سلیمانی و همکاران، ۱۴۰۳).

پرسشنامه الگوهای ارتباطی^۱ (۱۹۹۰): پرسشنامه الگوهای ارتباطی خانواده ریچی و فیتزپاتریک^۲ در سال ۱۹۹۰ تدوین شد و یک پرسشنامه خودسنجی است. تعداد ماده‌های پرسشنامه ۲۶ است و بر اساس نمره گذاری ۵ درجه‌ای لیکرت (نمره ۵ معادل کاملاً موافقم و نمره ۱ معادل کاملاً مخالفم) نمره گذاری می‌شود. این پرسشنامه دارای دو خرده مقیاس اساکه عبارتند از بعد جهت‌گیری گفت و شنود (شامل ۱۵ ماده) و بعد جهت‌گیری همنوایی (شامل ۱۱ ماده) می‌باشند. حداقل نمره در این پرسشنامه ۰ و

1. Family communication patterns Questionnaire

2. Ritchie & Fitzpatrick

حداکثر ۶۰ می باشد. کوئرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) روایی محتوایی این پرسشنامه را مطلوب و شاخص روایی را ۷۸٪ گزارش کردند، پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ را برای بعد جهت گیری گفت و شنود ۸۳٪ و برای بعد جهت گیری همنوایی ۷۹٪ به دست آوردند. در ایران کوروش نیا (۱۳۸۶) پایایی ابزار به روش آلفای کرونباخ را برای بعد گفت و شنود ۸۷٪ و برای بعد همنوایی ۸۱٪ گزارش کردند. همچنین از طریق تحلیل عامل اکتشافی، ساختار دو عاملی جهت گیری گفت و شنود و جهت گیری همنوایی را مورد تأیید قرار داد (به نقل از افسری گرگی، ۱۴۰۱).

پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان^۱ (۱۹۸۷): این آزمون که توسط هازان^۲ و شاور^۳ در سال ۸۷ ساخته شده، یک ابزار خودگزارش دهی است که بر مبنای سبک های دلبستگی سه گانه اینزروث (ایمن، اجتنابی و دوسوگر^۱) طراحی شده است. این مقیاس شامل توصیف هایی در زمینه احساسات فرد درباره درک او از روابط خود با افراد مهم زندگی فعلی وی می باشد که ۱۵ سوال دارد و روی یک مقیاس لیکرت ۵ درجه ای (خیلی کم=۱ تا خیلی زیاد=۵) ارایه می شود. به طوری که آزمون شونده به هر کدام از این توصیف ها نمره بالاتری اختصاص دهد، سبک دلبستگی او محسوب می شود. حداقل و حداکثر نمره در خرده مقیاس های این پرسشنامه به ترتیب ۵ و ۲۵ است. هازان و شاور (۱۹۸۷) ضریب پایایی این پرسشنامه را بین ۸۳٪ تا ۸۹٪ گزارش کردند. همچنین روایی پرسشنامه به وسیله همسانی درونی سبک های دلبستگی، به ترتیب برای سبک ایمن، اجتنابی و دوسوگر ۷۴٪، ۷۰٪ و ۵۵٪ به دست آمده و پایایی آن ۸۴٪ در دلبستگی ایمن، ۸۱٪ در دلبستگی اجتنابی و ۷۸٪ در دلبستگی نا ایمن دوسوگرا محاسبه گردید. در پژوهش قنبری هاشم آبادی و همکاران (۱۳۹۰)، روایی آزمون از طریق تحلیل عاملی مورد تأیید قرار گرفت و شاخص روایی محتوایی ۸۳٪ گزارش شد. همچنین پایایی با

1. adult attachment style questionnaire

2. Hazan

3. Shaver

استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۴، ۰/۸۵ محاسبه شد (به نقل از ملک‌لو و قربان جهرمی، ۱۴۰۱).

پرسشنامه تاب‌آوری کانر و دیویدسون^۱ (۲۰۰۳): این پرسشنامه در سال ۲۰۰۳ توسط کانر و دیویدسون جهت اندازه‌گیری قدرت مقابله با فشار و تهدید، تهیه شد. این پرسشنامه شامل ۲۵ سوال است و با استفاده از طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (از صفر تا ۴) نمره‌گذاری می‌شود. حداقل نمره تاب‌آوری آزمودنی در این پرسشنامه، صفر و حداکثر نمره ۱۰۰ است. نتایج تحلیل عاملی نشان داده است که این پرسشنامه دارای ۵ عامل: تصور شایستگی فردی^۲ (۲۵-۲۴-۲۳-۱۷-۱۶-۱۲-۱۱-۱۰)، اعتماد به غرایز فردی^۳ (۲۰-۱۹-۱۸-۱۵-۱۴-۷-۶)، پذیرش مثبت تغییر و روابط ایمن^۴ (۸-۵-۴-۲-۱)، کنترل^۵ (۲۲-۲۱-۱۳) و تأثیرات معنوی^۶ (۹-۳) می‌باشد. کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) شاخص کلی روایی محتوای را ۰/۸۳ و نسبت روایی محتوایی آن را ۰/۸۱ به دست آوردند و ضریب آلفای کرونباخ نمره کل تاب‌آوری و مؤلفه‌های تصور شایستگی فردی، اعتماد به غرایز فردی، پذیرش مثبت تغییر و روابط ایمن، کنترل و تأثیرات معنوی را به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۳، ۰/۷۹، ۰/۸۰، ۰/۷۶ و ۰/۸۸ گزارش کرده‌اند. همچنین ضریب پایایی حاصل از روش بازآزمایی در یک فاصله ۴ هفته‌ای برای نمره کل تاب‌آوری ۰/۸۷ بوده است. این پرسشنامه در ایران توسط محمدی (۱۳۸۴) بررسی شده است و برای تعیین روایی این پرسشنامه نخست همبستگی هر گویه با نمره کل محاسبه و سپس از روش تحلیل عاملی بهره گرفته شد. محاسبه همبستگی هر نمره با نمره کل ضریب‌های بین ۰/۴۱ تا ۰/۶۴ را نشان داد و تحلیل عاملی نیز وجود ۵ عامل را تایید کرد. در ضمن، در مطالعه محمدی (۱۳۸۴) پایایی نمره کل این پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ گزارش شد.

1. Connor-Davidson Resilience Scale
2. Perception of individual competence
3. Trust individual instincts
4. Positive acceptance of change and secure relationships
5. control
6. Spiritual influences

در این پژوهش با استفاده از نرم افزارهای SPSS²⁴ و AMOS²³ داده ها در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به طوری که در بخش توصیفی، ارائه ی فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار توسط نرم افزار SPSS انجام شد و در سطح استنباطی، ابتدا جهت بررسی پیش فرض نرمال بودن تک متغیری متغیرهای پژوهش از آزمون کلموگرف-اسمیرنوف^۱ توسط نرم افزار SPSS و توزیع داده کرانه ای چندمتغیری توسط آماره مردیا^۲ بر اساس فاصله ماهالانابیس^۳ با استفاده از نرم افزار AMOS استفاده گردید. سپس فرضیه های پژوهش با استفاده از روش آماری رگرسیون خطی در متن تحلیل مسیر، توسط نرم افزار AMOS ویرایش ۲۳ تحلیل شدند.

یافته های پژوهش

در این مطالعه ۳۸۴ زن خانه دار گروه مردم نهاد بوستان نرگس اکباتان شهر تهران مورد بررسی قرار گرفتند که میانگین سنی نمونه های مورد مطالعه $28/41 \pm 5/35$ سال و در دامنه ۲۲ تا ۳۶ سال بود.

در جدول ۱ اطلاعات توصیفی مربوط به متغیرهای الگوهای ارتباطی، سبک های دلبستگی، تاب آوری و آشفتگی زناشویی گزارش شده است.

جدول ۱. شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش در زنان خانه دار

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	بیشینه-کمینه	کجی	کشیدگی
جهت گیری گفت و شنود	۴۰/۶۸	۱۵/۹۳	۷۰-۱۵	۰/۰۹	-۱/۰۱
جهت گیری همنوایی	۳۶/۳۷	۱۲/۰۱	۵۲-۱۹	-۰/۱۲	-۱/۴۷
سبک دلبستگی ایمن	۱۶/۲۵	۵/۹۰	۲۵-۵	-۰/۴۳	-۰/۸۵
سبک دلبستگی اجتنابی	۱۶/۹۳	۵/۱۱	۲۴-۵	-۰/۳۷	-۰/۲۰
سبک دلبستگی اضطرابی	۱۶/۰۶	۴/۲۶	۲۲-۵	-۰/۸۴	۰/۵۵
تاب آوری	۵۳/۱۲	۲۲/۸۱	۸۸-۱۸	-۰/۰۴	-۱/۳۶
آشفتگی زناشویی	۶۷/۴۳	۳۰/۹۴	۱۲۰-۱۴	۰/۱۸	-۱/۰۱

1. Kolmogorov-Smirnov Test

2. Mardia

3. Mahalanobis distance

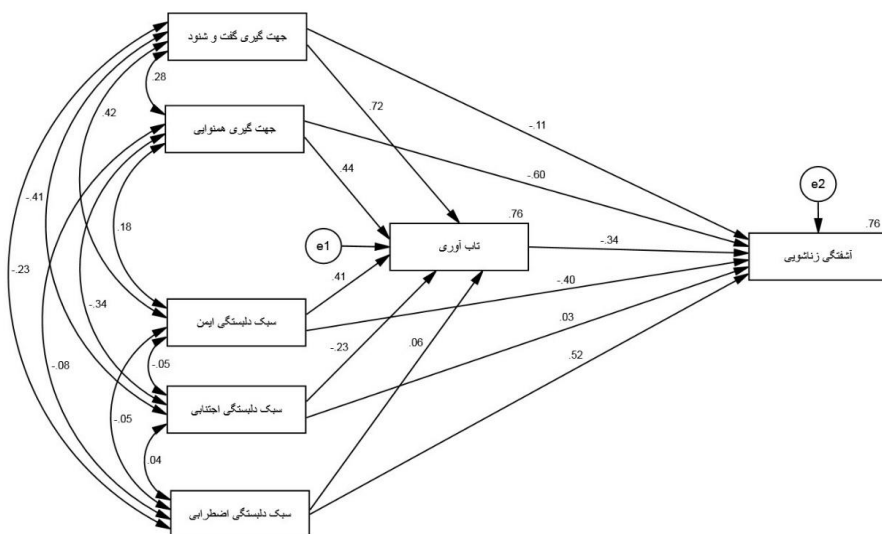
با توجه به نتایج ماتریس همبستگی، بین تاب‌آوری، الگوهای ارتباطی و سبک دلبستگی ایمن با آشفتگی زناشویی رابطه‌ی منفی و معنادار و بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی با آشفتگی زناشویی رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0/01$). همچنین بین الگوهای ارتباطی با تاب‌آوری رابطه‌ی مثبت و معنادار و بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی با تاب‌آوری رابطه‌ی منفی و معنادار وجود داشت ($P < 0/01$).

در پژوهش حاضر جهت بررسی برازش رابطه از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری به رویکرد تحلیل مسیر استفاده شد. پیش از کاربرد این روش، بررسی پیشفرض‌های این رویکرد آماری ضروری است. بنابر پیشنهاد کلاین (۲۰۱۶) مفروضه‌های بهنجاری تک متغیری به کمک برآورد مقادیر کجی و کشیدگی آزمون و تأیید شدند. با توجه به اینکه دامنه‌ی کجی و کشیدگی متغیرها در بازه‌ی ± 2 قرار داشت، نرمال بودن تک متغیری مورد تأیید قرار گرفت. جهت بررسی نرمال بودن چندمتغیری از ضریب کشیدگی استاندارد شده مردیا^۱ و نسبت بحرانی استفاده شده است. بنابر پیشنهاد بلانچ^۲ (۲۰۱۲)، مقادیر کوچکتر از ۵ برای نسبت بحرانی به عنوان عدم تخطی از نرمال بودن چند متغیره در نظر گرفته می‌شود در این پژوهش ضریب مردیا $4/702$ و نسبت بحرانی $2/310$ به دست آمده که کمتر از عدد ۵ میباشد. بنابراین فرض نرمال بودن چند متغیری برقرار است. جهت بررسی عدم وجود داده‌های پرت چند متغیری، شاخص فاصله‌ی ماهالانوبیس^۳، مورد بررسی قرار گرفت و سطوح معناداری کمتر از ۵٪ حاکی از دور افتاده بودن داده‌های پرت مورد نظر است. شکل ۱ ضرایب استاندارد مدل اشباع‌شده‌ی پیشنهادی پژوهش را نشان می‌دهد.

1. Mardia standardized kurtosis coefficient

2. Blunch

3. Mahalanobis d-squared method



شکل ۱. ضرایب استاندارد مدل پیشنهادی (اشباع شده) رابطه‌ی ساختاری آزمون مدل آشفتگی زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی و سبک‌های دلبستگی با نقش میانجی تاب آوری در زنان خانه‌دار

براساس شکل ۱، ضرایب مسیر سبک دلبستگی اضطرابی به تاب آوری و سبک دلبستگی اجتنابی به آشفتگی زناشویی غیرمعنادار بودند. بنابراین در ادامه مسیرهای غیرمعنادار از مدل حذف گردیدند. مدل اصلاحی جدید دوباره مورد آزمون قرار گرفت. بعد از حذف مسیرهای غیرمعنادار، شاخص‌های نیکویی برازش حاصل از آزمون مدل اصلاح شده در جدول ۲ نشان داده شده است.

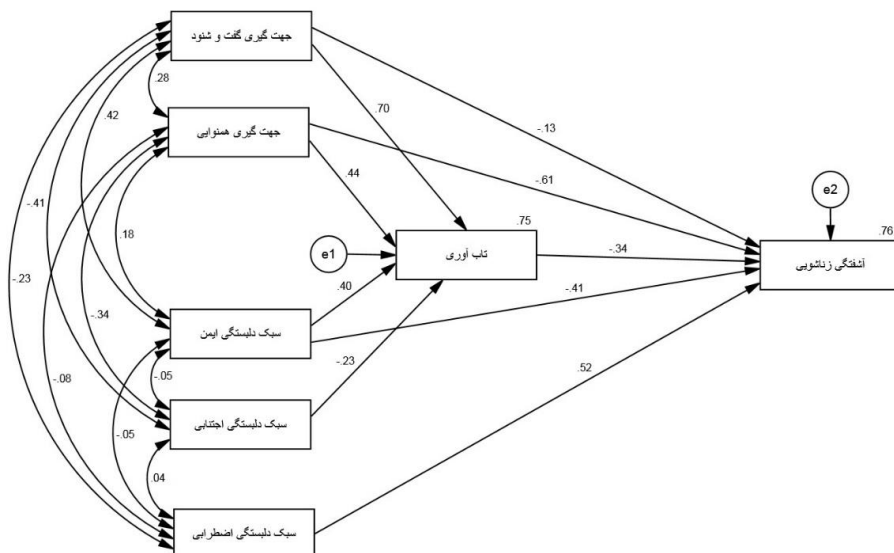
جدول ۲. شاخص‌های برازندگی الگوی اصلاح شده (نهایی) پژوهش حاضر

SRMR	GFI	IFI	PCFI	CFI	PNFI	RMSEA (CI _{90%})	CMIN/DF	P-Value	df	χ^2	شاخص‌های برازندگی
۰/۰۱۲	۰/۹۹۵	۰/۹۹۷	۰/۵۹۵	۰/۹۹۷	۰/۵۹۵	(۰/۰۹) - (۰/۰۷۵)	۳/۱۴	۰/۰۴۳	۲	۶/۲۸۲	الگوی اصلاح شده

*میزان قابل قبول شاخص‌ها، RMSEA (<0.08)، SRMR (<0.05)، CFI, GFI, IFI (>0.9)، PNFI, PCFI (>0.5).

(۱. < قابل قبول، 0.08 < خوب) (کلاین، ۲۰۱۶).

همانطور که نتایج مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد، تمامی شاخص‌های برازش، $RMSEA=0/075$ ، $SRMR=0/012$ ، $CMIN/DF=3/14$ ، $PNFI=0/595$ ، $PCFI=0/595$ ، $IFI=0/997$ و $GFI=0/995$ حاکی از برازش خوب مدل اصلاح شده با داده‌هاست. بنابراین مدل نهایی از برازندگی مطلوبی برخوردار است. شاخص R^2 میزان واریانس تبیین شده متغیرهای نهفته درون‌زا را نشان می‌دهد. چین^۱ (۱۹۹۸) مقادیر R^2 ، ۰/۶۷، ۰/۳۳ و ۰/۱۹ را در معادلات ساختاری به ترتیب قوی، متوسط و ضعیف توصیف می‌کند. ضریب تعیین متغیر آشفتگی زناشویی ۰/۷۶ می‌باشد که نشان می‌دهد تمامی متغیرهای برون‌زا و میانجی یعنی الگوهای ارتباطی، سبک‌های دلبستگی و تاب‌آوری می‌توانند ۷۶ درصد از تغییرات آشفتگی زناشویی را پیش‌بینی کنند که این میزان در حد قوی می‌باشد.



شکل ۲. ضرایب استاندارد مدل نهایی (اصلاح‌شده) رابطه‌ی ساختاری آزمون مدل آشفتگی زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی و سبک‌های دلبستگی با نقش میانجی تاب‌آوری در زنان خانه‌دار

بنابراین با توجه به شاخص‌های برآورد شده رابطه‌ی ساختاری آزمون مدل آشفته‌گی زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی و سبک‌های دلبستگی با نقش میانجی تاب‌آوری در زنان خانه‌دار برآزش دارد.

با استناد به جدول ۳ می‌توان ضرایب استاندارد کلیه‌ی مسیرها و مقادیر بحرانی را در الگوی پیشنهادی مشاهده کرد.

جدول ۳. ضرایب استاندارد مسیرهای الگوی پیشنهادی

مسیر	ضرایب استاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی	مقدار احتمال (P)
جهت‌گیری گفت و شنود <--- آشفته‌گی زناشویی	-۰/۱۲۵	۰/۰۹۱	-۲/۶۸۷	۰/۰۰۷
جهت‌گیری گفت و شنود <--- تاب‌آوری	۰/۶۹۸	۰/۰۴۵	۲۱/۹۹۳	<۰/۰۰۱
جهت‌گیری همنوایی <--- آشفته‌گی زناشویی	-۰/۶۰۹	۰/۰۹۰	-۱۷/۵۲۰	<۰/۰۰۱
جهت‌گیری همنوایی <--- تاب‌آوری	۰/۴۳۶	۰/۰۵۳	۱۵/۷۳۷	<۰/۰۰۱
سبک دلبستگی ایمن <--- آشفته‌گی زناشویی	-۰/۴۰۸	۰/۱۸۲	-۱۱/۷۱۴	<۰/۰۰۱
سبک دلبستگی ایمن <--- تاب‌آوری	۰/۳۹۹	۰/۱۱۳	۱۳/۶۴۰	<۰/۰۰۱
سبک دلبستگی اجتنابی <--- آشفته‌گی زناشویی	۰/۰۲۹	۰/۱۸۵	۰/۹۶۷	۰/۳۳۴
سبک دلبستگی اجتنابی <--- تاب‌آوری	-۰/۲۳۲	۰/۰۷۵	-۴/۸۴۷	<۰/۰۰۱
سبک دلبستگی اضطرابی <--- آشفته‌گی زناشویی	۰/۵۱۸	۰/۱۸۸	۱۹/۹۲۲	<۰/۰۰۱
سبک دلبستگی اضطرابی <--- تاب‌آوری	۰/۰۶۲	۰/۱۴۲	۱/۳۲۱	۰/۲۱۸
تاب‌آوری <--- آشفته‌گی زناشویی	-۰/۳۴۱	۰/۱۰۷	-۱۰/۵۶۳	<۰/۰۰۱

نتایج حاصل از روابط مستقیم متغیرهای پژوهش در مدل پیشنهادی نشان می‌دهد که در کل نمونه‌ی تمامی ضرایب مسیر (به غیر از سبک دلبستگی اضطرابی به تاب‌آوری و سبک دلبستگی اجتنابی به آشفته‌گی زناشویی) از لحاظ آماری معنادار بودند. در ادامه نتایج حاصل از روابط واسطه‌ای با استفاده از آزمون بوت استرپ در برنامه‌ی ماکرو پرپرچر و هایز (۲۰۰۸) به جهت آزمودن مسیرهای واسطه‌ای در جدول ۴ نشان داده شده‌اند.

در الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر پنج مسیر غیرمستقیم یا واسطه‌ای وجود دارد. برای تعیین معناداری هر یک از روابط واسطه‌ای و اثر غیرمستقیم متغیر برون‌زا بر متغیر درون‌زا از طریق میانجی‌گرها از روش بوت استرپ^۱ استفاده گردیده است. در جدول ۴، منظور از داده^۲، اثر غیرمستقیم در نمونه‌ی اصلی؛ و بوت^۳، میانگین برآوردهای اثر غیرمستقیم در نمونه‌های بوت استرپ است. همچنین، در این جدول، سوگیری^۴، بیانگر تفاضل بین داده و بوت و خطای معیار نیز نشان دهنده‌ی انحراف معیار برآوردهای غیرمستقیم در نمونه‌های بوت استرپ است.

جدول ۴. نتایج بوت استرپ برای مسیرهای غیرمستقیم الگوی اصلاح شده

مسیر	شاخص					مقدار
	داده	بوت	سوگیری	خطا	حد پایین	حد بالا
جهت‌گیری گفت و شنود به آشفتگی زناشویی از طریق تاب‌آوری	-۰/۲۳۸	-۰/۲۳۵	۰/۰۰۳	۰/۰۴۹	-۰/۳۱۲	-۰/۱۹۶
جهت‌گیری همنوایی به آشفتگی زناشویی از طریق تاب‌آوری	-۰/۱۵۹	-۰/۱۵۵	۰/۰۰۴	۰/۰۱۲	-۰/۲۲۳	-۰/۰۹۸
	<۰/۰۰۱					

1. Bootstrap
2. Data
3. Boot
4. Bias

مسیر	شاخص						مقدار
	داده	بوت	سوگیری	خطا	حد پایین	حد بالا	احتمال
سبک							
دلبستگی							
ایمن به							
آشفته‌گی	-۰/۱۴۴	-۰/۱۴۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۹	-۰/۱۹۸	-۰/۰۶۴	<۰/۰۰۱
زناشویی از							
طریق							
تاب‌آوری							
سبک							
دلبستگی							
اجتنابی به							
آشفته‌گی	۰/۰۷۸	۰/۰۸۲	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۰/۰۱۳	۰/۱۳۹	۰/۰۴۰
زناشویی از							
طریق							
تاب‌آوری							
سبک							
دلبستگی							
اضطرابی به							
آشفته‌گی	-۰/۰۲۱	-۰/۰۱۵	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	-۰/۰۴۸	۰/۰۳۲	۰/۳۲۰
زناشویی از							
طریق							
تاب‌آوری							

نتایج آزمون بوت استرپ نشان داد که اثر غیرمستقیم جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری همنوایی بر آشفتگی زناشویی از طریق تاب‌آوری به ترتیب برابر ۰/۲۳۵ و ۰/۱۵۹ و اثر غیرمستقیم سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی بر آشفتگی زناشویی از طریق تاب‌آوری به ترتیب برابر با ۰/۱۴۳، ۰/۰۸۲ و ۰/۰۱۵ به دست آمد که از لحاظ آماری معنادار بودند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل آشفتگی زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی و سبک‌های دلبستگی با نقش میانجی تاب‌آوری در زنان خانه‌دار انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد مدل نهایی پژوهش از برازندگی مطلوبی برخوردار بود و تمامی متغیرهای برونزا و میانجی یعنی الگوهای ارتباطی، سبک‌های دلبستگی و تاب‌آوری توانستند ۷۶ درصد از تغییرات آشفتگی زناشویی را پیش‌بینی کنند. بنابراین یافته‌های مطالعه حاضر با نتایج مطالعه سلیمانی و همکاران (۱۴۰۳) مبنی بر رابطه بین الگوهای ارتباطی زوج‌ها با آشفتگی زناشویی؛ پژوهش فاضلی مهرآبادی، نجاری فروشانی و مهرگان (۱۴۰۲) مبنی بر رابطه بین الگوهای ارتباطی با تعارضات زوج‌ها و تمایل به جدایی و طلاق؛ مطالعات سلیمانی و همکاران (۱۴۰۲) و صفاری‌نیا و مقدسی (۱۴۰۲) مبنی بر تأثیر مهارت‌های ارتباطی بر آشفتگی زناشویی؛ پژوهش‌های امانی، سالارآبادی و حمیدی (۱۴۰۲) و ردی و همکاران (۲۰۲۴) مبنی بر تأثیر سبک‌های دلبستگی بر روابط زناشویی و طلاق عاطفی؛ مطالعه ملک‌لو و قربان جهرمی (۱۴۰۱) مبنی بر رابطه سبک‌های دلبستگی با سازگاری زناشویی؛ پژوهش‌های شاه و دشیانده (۲۰۲۴) و کارنر و همکاران (۲۰۲۱) مبنی بر تأثیر تاب‌آوری بر سازگاری و رضایت زناشویی، همسو می‌باشد. در تبیین یافته‌های پژوهش مبنی بر نقش میانجی تاب‌آوری در رابطه آشفتگی زناشویی با الگوهای ارتباطی و سبک‌های دلبستگی زنان خانه‌دار می‌توان گفت، دنیای امروز که دنیایی مضطرب و پریشان است، علی‌رغم پیشرفت‌های حیرت‌انگیز علمی و صنعتی، در زمینه مسائل خانواده همچنان با مشکلات بزرگی روبرو است و این مشکلات، موجب آشفتگی در روابط زوج‌ها می‌شود. آشفتگی زناشویی ناشی از ناهماهنگی زوج‌ها در نوع نیازها و روش ارضای آن‌ها، اختلاف در خواسته‌ها، خودمحوری و رفتار غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج است (سلیمانی و همکاران، ۱۴۰۳). بر این اساس کارنر و همکاران (۲۰۲۱) معتقدند که زوج‌ها زمانی قادر

هستند در رویارویی با ناکامی‌ها، مصیبت‌ها و تعارضات زندگی، و حتی رویدادهای مثبت، پیشرفت‌ها و پذیرش مسئولیت‌ها به تلاش بیشتر ادامه دهند، که از تاب‌آوری بالایی برخوردار باشند. لذا با توجه به نتایج پژوهش شاه و دشپانده (۲۰۲۴)، تاب‌آوری به عنوان یکی از راهکارهای تاثیرگذار بر روابط زوج‌ها جایگاه ارزشمندی دارد و زوج‌هایی که تاب‌آوری بالاتری دارند، درجه‌هایی از سلامت روان و استقلال فردی را دارا می‌باشند، آن‌ها احساسات خوبی نسبت به شریک زندگی و اطرافیان خود دارند، به توانایی‌هایشان باور دارند و می‌توانند شرایط را کنترل کنند، در شرایط بحرانی و بروز مشکلات می‌توانند هیجانات خود را مدیریت کنند و مراقب هستند تکانه‌های عصبی فرمان زندگی‌شان را به دست نگیرد. بنابراین زوج‌ها با تاب‌آوری بالا با تکیه بر اندیشه و بهره‌گیری از تجربه خود و دیگران، بهترین و موثرترین راه را برای خروج از بحران‌های زندگی زناشویی پیدا می‌کنند. در عین حال تاب‌آوری با تاثیرپذیری از الگوهای ارتباطی زوج‌ها، به زوج‌ها اجازه می‌دهد علی‌رغم مشکلات، یک رابطه سالم و پایدار را حفظ کنند، زیرا مهارت‌های ارتباطی باعث توجه همزمان به ایجاد و گسترش صمیمیت عاطفی در زوج‌ها می‌شود، ابراز هیجانات و افکار را بهبود می‌بخشد، مهارت‌های گوش دادن را افزایش می‌دهد، به حل تعارض کمک می‌کند و با افزایش اعتماد به نفس و توانایی‌های مقابله با شرایط چالش برانگیزی، تاب‌آوری زوج‌ها را افزایش می‌دهد (آذرنیک و همکاران، ۱۴۰۱). همان‌طور که ثناگویی (۱۴۰۲) معتقد است زوج‌های تاب‌آور به جای ناامیدی یا دور کردن خود از مشکلات، با مشکلات زندگی روبرو می‌شوند و از مهارت‌های خود برای مقابله با مشکلات به گونه‌ای استفاده می‌کنند که باعث تقویت و رشد آن‌ها می‌شود و در نهایت به بازگشت افراد به تعادل اولیه یا رسیدن به سطح بالاتر از رضایت زناشویی کمک می‌کند. همچنین ملک‌لو و قربان جهرمی (۱۴۰۱) معتقدند دلبستگی، یکی از نیازهای اساسی انسان است که به فرد احساس امنیت و کفایت می‌دهد و کمک می‌کند در مواقع پر التهاب زندگی، فرد با اعتماد به توانایی خود در

مقابله با مسایل زندگی، بهتر از عهده‌ی مسائل برآید و موفق‌تر عمل کند و در نتیجه تاب آوری خود را ارتقاء دهد. لذا به سبب اینکه تاب‌آوری عامل محافظ قوی در برابر موقعیت‌های تنش‌زا در نظر گرفته می‌شود، می‌تواند تعارضات و آشفتگی‌های زندگی زناشویی را کاهش دهد و به بهبود رضایت زناشویی کمک کند.

همچنین نتایج آزمون بوت استرپ نشان داد که اثر غیرمستقیم مؤلفه‌های الگوی ارتباطی شامل جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نواپی بر آشفتگی زناشویی از طریق تاب‌آوری به ترتیب برابر ۰/۲۳۵ به دست آمد که از لحاظ آماری معنادار بودند. بنابراین یافته‌های مطالعه حاضر با نتایج پژوهش‌های شاه و دشپانده (۲۰۲۴) و کارنر و همکاران (۲۰۲۱) مبنی بر تأثیر تاب‌آوری بر سازگاری و رضایت زناشویی، همسو می‌باشد. در تبیین یافته‌های پژوهش مبنی بر نقش میانجی تاب‌آوری در رابطه آشفتگی زناشویی با مؤلفه‌های الگوهای ارتباطی و سبک‌های دلبستگی زنان خانه‌دار می‌توان گفت تاب‌آوری به عنوان یک سیستم پویا، ظرفیت مقاومت یا بازایی توان فرد در برابر چالش‌های مهم زندگی را افزایش می‌دهد و باعث ثبات، دوام یا توسعه رشد شخصی زوج‌ها می‌شود و نتایج ناسازگارانه شرایط تنش‌زای زندگی زناشویی را کاهش می‌دهد. به علاوه، زوج‌های تاب‌آور در تنظیم شناختی هیجان، قادر هستند با مهار و تعدیل هیجانات خود، استرس خود را کنترل کرده و کاهش دهند و رابطه خود را با همسرشان به گونه‌ای تنظیم کنند که مانع ایجاد آشفتگی زناشویی شدید گردد. ولی تاب‌آوری خود نیز تحت تأثیر عوامل مختلفی است و یکی از این عوامل، الگوهای ارتباطی زوج‌ها است. به طوری که مهارت‌ها و الگوهای ارتباطی به افراد کمک می‌کنند تا با یکدیگر به طور موثر ارتباط برقرار کنند، تعارضات را مدیریت کنند و احساسات خود را به درستی بیان نمایند. لذا این ارتباطات باعث رشد شخصیت، افزایش عزت نفس، مسئولیت‌پذیری، قدرت تصمیم‌گیری و تاب‌آوری در زوج‌ها می‌گردد. پس از آنجا که الگوی ارتباطی جهت‌گیری گفت و شنود باعث می‌شود زوج‌ها شرایط مناسبی را برای شرکت آزادانه در

تعامل با یکدیگر و بحث و تبادل نظر در مورد موضوعات مختلف زندگی زناشویی فراهم آورند و لذا ویژگی بارز این زوج‌ها، گفت و شنود بالا، داشتن روابط گرم، صمیمی و آزادی در بیان احساسات و مشورت با همدیگر است که باعث ارتقاء تاب آوری آنان در برابر مشکلات زندگی و در نتیجه کاهش آشفتگی‌های زناشویی می‌شود. ولی الگوی ارتباطی جهت‌گیری هم‌نواپی باعث می‌شود زوج‌ها شرایطی را برای همگون شدن عقاید، نگرش‌ها و ارزش‌ها با یکدیگر فراهم کنند و با درونی کردن ارزش‌ها و عقاید هماهنگ با یکدیگر، تعارضات در زمینه‌های مختلف زندگی را کاهش داده و در رابطه با همسر خود به آرامش روانی و عاطفی بیشتری دست پیدا کنند.

همچنین نتایج آزمون بوت استرپ نشان داد که اثر غیرمستقیم سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی بر آشفتگی زناشویی از طریق تاب‌آوری به ترتیب برابر با ۰/۱۴۳، ۰/۰۸۲ و ۰/۰۱۵ به دست آمد که از لحاظ آماری معنادار بودند. بنابراین یافته‌های مطالعه حاضر با نتایج پژوهش‌های شاه و دشیپانده (۲۰۲۴) و کارنر و همکاران (۲۰۲۱) مبنی بر تأثیر تاب‌آوری بر سازگاری و رضایت زناشویی، همسو می‌باشد.

در تبیین یافته‌های پژوهش مبنی بر نقش میانجی تاب‌آوری در رابطه آشفتگی زناشویی با سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در زنان خانه‌دار می‌توان گفت، هنگامی که زوج‌ها بتوانند با تاب‌آوری بالا، سطح متعادل‌تری از برانگیختگی هیجانی را حفظ کنند، احتمال شکل‌گیری رفتارهای ارتباطی سازنده، ترمیم آسیب‌ها و حل و فصل سازنده تعارضات افزایش می‌یابد. در واقع همسرانی که از تاب‌آوری بالایی برخوردارند قادر خواهند بود، رنج‌ها، نیازها و خواسته‌های خود را طوری عنوان کنند که نه تنها احتمال ایجاد تعارض و آشفتگی را کاهش دهند، بلکه منجر به شکل‌گیری تعاملات مثبت شوند. این تاب‌آوری می‌تواند از روابط خانوادگی در کودکی و سبک‌های دلبستگی تأثیر پذیرد. به طوری که سبک‌های دلبستگی ناایمن می‌تواند تاب‌آوری فرد را در ارتباطات و مشکلات با همسر کاهش دهد و باعث افزایش تبدلات منفی بین زوج‌ها

گردد. ولی دلبستگی ایمن، یک عامل مهم در کمینه کردن شرایط بحرانی و بیشینه کردن میزان تاب‌آوری در زوجها است که به عنوان یکی از عوامل حفاظتی، موجبات سازگاری در شرایط مختلف و تاب‌آوری بیشتری را فراهم می‌سازد. در نهایت زوجها با تاب‌آوری بالا، توان اجتماعی بیشتری در مواجهه با مشکلات دارند و بهتر می‌توانند بر مشکلاتشان غلبه کنند، در نتیجه اجازه نمی‌دهند تعارض و آشفتگی آن‌ها به سطوح بالا برسد.

انجام این تحقیق همانند هر پژوهش دیگری با محدودیت‌هایی مواجه بود که هنگام تفسیر نتایج باید مد نظر قرار گیرند و یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، در نظر نگرفتن نقش تعدیل‌کنندگی عوامل جمعیت شناختی بود. همچنین در پژوهش حاضر برای انتخاب نمونه آماری از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد و عدم استفاده از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی از محدودیت‌های پژوهش حاضر است. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی نقش تعدیل‌کنندگی عوامل جمعیت شناختی در نظر گرفته شود و در پژوهش‌های آتی از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی استفاده گردد. در نهایت براساس یافته‌های حاصل از پژوهش به منظور کاهش آشفتگی زناشویی، پیشنهاد می‌شود در خانواده‌ها بستری مناسب برای دستیابی به دلبستگی‌های ایمن، و شکل‌گیری الگوهای ارتباطی سالم فراهم شود و تلاش و برنامه‌ریزی جمعی برای مداخلات مبتنی بر تشکیل الگوهای ارتباطی سالم و ایجاد دلبستگی ایمن در زوجها صورت گیرد.

ملاحظات اخلاقی پژوهش: تمامی شرکت‌کنندگان برای شرکت در پژوهش رضایت شفاهی خود را اعلام نمودند و اطمینان لازم در مورد محرمانگی اطلاعات به آنها داده شده است.

سهم نویسندگان: تمام نویسندگان در نگارش مقاله مشارکت داشته‌اند.

حمایت مالی: این مقاله تحت حمایت مالی-معنوی جایی نبوده و نویسندگان هزینه‌ها را تقبل نموده‌اند.

تعارض منافع: یافته‌های این مطالعه هیچ‌گونه تضادی با منافع شخصی یا سازمانی ندارد.

قدردانی: بدین وسیله از تمامی شرکت‌کنندگانی که در فرآیند پژوهش همراهی کردند، صمیمانه تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

منابع

- آتش‌پنجه، مریم و شیرازی، محمود (۱۴۰۱). بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده الگوهای ارتباطی در دل‌زدگی و بی‌ثباتی زناشویی در زنان نابارور. *مجله پرستشگری و مامایی*، ۲۰ (۳)، ۲۵۰-۲۴۲.
- <http://dx.doi.org/10.52547/unmf.20.3.242>
- آذرنیک، مینا؛ رفیعی‌پور، امین؛ حاتمی، محمد و موسوی، مهسا (۱۴۰۱). ارزیابی اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر میزان رضایت زناشویی زنان دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. ۱۸ (۲)، ۱۶۵-۱۵۵.
- <http://dx.doi.org/10.48305/jhsr.v18i2.1459>
- اسمعیلی، مهناز؛ ماردپور، علیرضا و قادرزاده باقری، حسین (۱۴۰۲). تعیین تفاوت زوج‌درمانی هیجان‌مدار و درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر پرخاشگری ارتباطی پنهان زنان دارای تعارضات زناشویی. *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۱۸ (۷۲)، ۱-۱۳.
- <https://doi.org/10.22034/jmpr.2024.17496>
- افسری‌گرگی، زهرا (۱۴۰۱). بررسی رابطه مؤلفه‌های عشق با دلزدگی زناشویی: نقش میانجی الگوهای ارتباطی خانواده. *فصلنامه روان‌شناسی و علوم رفتاری ایران*، ۳۰، ۹۳-۷۷.
- امانی، احمد؛ سالارآبادی، سمیرا و حمیدی، امید (۱۴۰۲). پی‌کاوی تجارب زیسته زوج‌ها با ضربه دل‌بستگی (دل‌بستگی ناایمن) در روابط زناشویی: پژوهشی پدیدارشناسانه. *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، ۱۴ (۳)، ۱۶۳-۱۸۴.
- <https://doi.org/10.22059/japr.2023.333709.644077>
- انجمن روانپزشکی آمریکا. (۲۰۲۲). راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی. ویرایش پنجم (متن بازنگری شده). ترجمه مهدی گنجی (۱۴۰۱). تهران: انتشارات ساوالان.
- شناگویی، محمد (۱۴۰۲). شناسایی عوامل مرتبط با کیفیت زناشویی در مطالعات ایرانی (۱۳۸۹-۱۴۰۱). *فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره*، ۲۲ (۸۷)، ۱۴۳-۱۱۴.
- <http://dx.doi.org/10.18502/qjcr.v22i87.13987>
- جعفری، لیلا؛ رحیمیان بوگر، اسحق؛ جواره، جمشید و تقوایی نیا، علی (۱۴۰۲). مقایسه زوج‌درمانی هیجان‌مدار و زوج‌درمانی گاتمنی بر تعهد در رابطه و ترومای دل‌بستگی زوج‌ها. *روان‌شناسی خانواده*، ۱۰ (۱)، ۶۵-۵۱.
- <https://doi.org/10.22034/ijfp.2024.556932.1126>
- حسین‌زاده بندقی‌ری، مهدی؛ سودانی، منصور و غلامزاده جفهر، مریم (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش مهارت ارتباط موثر بر الگوهای ارتباطی زوج‌ها. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۵ (۳)، ۱۳۲۴-۱۳۱۳.
- <https://doi.org/10.22038/mjms.2021.57978.3382>

خاکساری، بهار (۱۴۰۰). پیش بینی آشفتگی های زناشویی و ارتباطی بر اساس شیوه های فرزندپروری و ابزارگری هیجانی زوج های شهر کرمانشاه. مطالعات اسلامی ایرانی خانواده، ۱ (۲)، ۳۱-۱۵.

<https://www.doi.org/10.30495/iifs.2022.1949119.1023>

رضایی، حدیثه؛ فلاح زاده، هاجر و پناغی، لیلی (۱۴۰۲). پیش بینی آزار دیدگی در روابط زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی و ترس از صمیمیت در زنان متأهل. فصلنامه علمی پژوهش های مشاوره، ۲۲ (۸۵)، ۲۴۵-۲۴۰.

<http://dx.doi.org/10.18502/qjcr.v22i85.12542>

زبردست، عذرا؛ رضایی، سجاد و رضواندل رمزی، فاطمه (۱۴۰۱). رابطه بین سبک های دلبستگی با پیروی از درمان در بیماران مزمن: نقش میانجی تاب آوری. پژوهش در سلامت روان شناختی، ۱۵ (۴)، ۲۴-۱۲.

<http://rph.khu.ac.ir/article-1-4039-fa.html>

سلیمانی، زهرا؛ جاویدی، حجت اله؛ کورش نیا، مریم و برزگر، مجید (۱۴۰۳). تبیین مدل علی آشفتگی زناشویی براساس الگوهای ارتباطی، روابط زناشویی و افسردگی در بین زوج های دارای کودک زیر ۱۰ سال. سلامت و آموزش در اوان کودکی، ۱، ۱۲۱-۱۱۰.

سلیمانی، زهرا؛ برزگر، مجید؛ جاویدی، حجت اله و کوروش نیا، مریم (۱۴۰۲). شناسایی عوامل موثر بر آشفتگی زناشویی با استفاده از تحلیل مضمون. فصلنامه تعالی مشاوره و روان درمانی، ۱۲، ۱۴-۲۷.

<https://sanad.iau.ir/Journal/jci/Article/932062>

صدری دمیچی، اسماعیل؛ مجرد، آرزو و متین، حسین (۱۴۰۱). تأثیر آموزش تاب آوری بر کاهش ریسک طلاق و ناسازگاری زناشویی در زنان متقاضی طلاق. رویش روان شناسی، ۱۱ (۱)، ۱۸۴-۱۷۵.

<http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1401.11.1.16.3>

صفاری نیا، مجید و مقدسی، شهربانو (۱۴۰۲). اثربخشی آموزش مهارت های ارتباطی زوج ها بر سبک های تبادل اجتماعی و آشفتگی روان شناختی زنان دچار دلزدگی زناشویی. رویش روان شناسی، ۱۲ (۱۱)، ۱۲۰-۱۱۰.

<http://frooyesh.ir/article-1-4700-fa.html>

فاضلی مهرآبادی، علی رضا؛ نجاری فروشانی، سمانه و مهرگان، محمد (۱۴۰۲). واکاوی الگوهای ارتباطی زوج ها در آستانه جدایی. مجله تحقیقات علوم رفتاری، ۲۱ (۴)، ۶۳۷-۶۵۱.

<http://rbs.mui.ac.ir/article-1-1669-fa.html>

علی محمدی، ساناز و محمدی فرود، حمید (۱۴۰۲). اثربخشی زوج درمانی مبتنی بر مدل گاتمن بر آشفتگی هیجانی و کیفیت روابط زناشویی در زنان خیانت دیده. مجله تحقیقات علوم رفتاری، ۲۱ (۴)، ۶۳۶-۶۲۵.

<http://rbs.mui.ac.ir/article-1-1672-fa.html>

محمودیان، علی؛ معماری نسب، زهرا؛ فرخی، بهاره و صباحی، پرویز (۱۴۰۱). نقش واسطه ای سرسختی روان شناختی در بین سبک های دلبستگی و آشفتگی روان شناختی در دوره شیوع رابطه کوید-۱۹. تحقیقات علوم رفتاری، ۲۰ (۳)، ۵۴۰-۵۲۸.

ملک لو، عاطفه و قربان جهرمی، رضا (۱۴۰۱). بررسی رابطه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا با سازگاری زناشویی در دانشجویان متأهل. فصلنامه ایده های نوین روان شناسی، ۱۴ (۱۸)، ۱۶-۱.

<http://jnip.ir/article-1-833-fa.html>

میکائیلی، نیلوفر و عبادی، متین (۱۴۰۱). تدوین معادلات ساختاری آشفتگی رابطه زناشویی براساس بازشناسی بیان چهره‌ای هیجان: نقش میانجی پرخاشگری ارتباطی در زنان نابارور. شفای خاتم، ۱۰(۲)، ۱-۱۳.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23221887.1401.10.2.4.0>

Abreu-Afonso, J., Ramos, M. M., Queiroz-Garcia, I., & Leal, I. (2022). How couple's relationship lasts over time? A model for marital satisfaction. *Psychological Reports*, 125(3), 1601–1627.

<https://doi.org/10.1177/00332941211000651>

Baruah, R., Sutar, D. (2024). Attachment Style Dynamics and Wellbeing in Romantic Relationships among Young Adults. *International Journal of Health Sciences and Research*, 14 (4), 1-12.

<https://doi.org/10.30574/wjbphs.2024.19.1.0440>

Karner, T., Weis, J.K., Heinrichs, K. (2021). A social perspective on resilience: social support and dyadic coping in teacher training. *Empirical Research in Vocational Education and Training*, 13(1), 24-35.

<https://doi.org/10.1186/s40461-021-00126-y>

Maldar, A.A., Nayak, M. (2024). Examining the impact of emotional intelligence and attachment style on loneliness Alisha Azad Maldar and Monalisa Nayak. *World Journal of Biology Pharmacy and Health Sciences*, 18(3), 317-325.

<https://doi.org/10.30574/wjbphs.2024.18.3.0369>

Markman, HJ., Hahlweg, K. (2021). The prediction and prevention of marital distress: An international perspective. *Clinical Psychology Review*, 13, 29-43.

Reddy, C.B., Naila, P. (2024). Attachment style and relationship satisfaction among early adults. *World Journal of Biology Pharmacy and Health Sciences*, 19 (1), 282–289. <https://doi.org/10.30574/wjbphs.2024.19.1.0440>

Shah, P.C., Deshpande, A. (2024). Relationship between Relationship Satisfaction, Resilience, Optimism, and Forgiveness among Young Married Couples in India. *International Journal of Indian Psychology*, 12(2), 3434-3445.

<https://doi.org/10.25215/1202.302>

Singh, Y., Gupta, V., Srivastava, A.K. (2023). Marital Conflict, Health, and Well-Being Among Couples. *International Journal of Indian Psychology*, 11 (1), 1098-1110. <http://dx.doi.org/10.25215/1101.112>

Tasew, A. Sh., Gatahun, K. K., Prete, G. (2021). Marital Conflict among Couples: The Case of Durbete Town, Amhara Region, Ethiopia, *Congent Psychology*, 8(1), 1903127. <http://dx.doi.org/10.1080/23311908.2021.1903127>

Thornton, G., Willmott, D., Richardson, E., Hudspith, L. (2023). Examining the immediate and enduring psychological impact of street harassment on women's mental health. *Mental Health and Social Inclusion*, 15, 223-245.

<http://dx.doi.org/10.1108/MHSI-07-2023-0080>

